

شناسایی ساز و کارهای اساسی در پارادایم توسعه بر محور عدالت و اخلاق از منظر توحیدی اسلام

روح الله بیات^۱

چکیده

در اینکه الگوی رشد و توسعه اقتصادی یک جامعه توحیدی دقیقاً چگونه می باشد، اتفاق نظر وجود ندارد. لیکن آنچه محققان اقتصاد اسلامی نسبت به آن اجماع دارند، پارادایمی است که در آن هدف جامعه توحیدی عبادت خالص پروردگار و پرهیز از شرک و همچنین گردش امور در این جامعه بر محور عدالت است.

عدالت به عنوان یک اصل اساسی در دین اسلام می بایست محور فعالیت های اجتماعی و اقتصادی مسلمانان بوده باشد. در یک نگرش سیستمی عملیاتی کردن این اصل می بایستی منجر به رشد و شکوفایی زندگی مسلمانان می گردید. لیکن وضعیت تاسف بار مسلمانان در اکثر مناطق جهان بیانگر عدم توجه به این اصل اساسی در برنامه ریزی های اقتصادی و اجتماعی بوده است.

چیستی عدالت از دیدگاه اسلامی مقوله بسیار مهمی است که ابعاد بسیاری دارد همان گونه که توسعه ابعاد بسیاری دارد. لیکن اساساً آنچه در این مقاله بدان بیشتر تأکید می شود مکانیسم تحقق عدالت می باشد.

بدین منظور مقاله حاضر تلاش دارد سازوکارهای اساسی و مهم اخلاقی را که عملکرد آنها ذاتاً به وجود آورنده عدالت اقتصادی و اجتماعی می باشد را در یک نگرش سیستمی معرفی نماید. این سازوکارها در قالب فرائض دینی خود را نمایان می - سازند که جملگی حقوق فردی و اجتماعی را تبیین می نمایند. اهم فرائض مورد نظر در این مقاله شامل دانش، زکات و کار می باشند. در واقع عملیاتی کردن همزمان سیستم های تعلیم و تربیت، مالی و تولیدی در پارادایم دینی اسلام منجر به حل ساختاری مشکلات جوامع اسلامی می شود که نهایتاً به شکل گیری جامعه و اقتصاد توحیدی منتهی می گردد. در این مقاله تأکید شده است که از شرایط اساسی عملیاتی کردن سازوکارهای نظام مند فوق حاکمیت دولت اسلامی بر محور حقوق فردی و اجتماعی می باشد.

واژگان کلیدی: عدالت، دولت اسلامی، فرائض دینی، سازوکار دینی، نگرش سیستمی، جامعه توحیدی

۱. استادیار اقتصاد دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

۱. مقدمه

از دیدگاه جهان بینی توحیدی پدیده های عالم علی رغم کثرتی که دارند از وحدت در هدف و حرکت تکاملی برخوردار هستند. این حرکت بر محور حق و عدالت می باشد. پدیده ها و مفاهیم اقتصادی نیز در یک نگاه توحیدی در این چارچوب قابل بررسی و تفسیر می باشند. در این نگاه همه عالم از آن پروردگار است و همه افکار و اعمال اقتصادی انسان و سایر واحد های اقتصادی وقتی موافق جریان خلقت می باشد که منطبق با توحید نظری و عملی باشد. در این تفکر لذت هدف نهایی مصرف کننده نبوده ضمن اینکه تامین و حداکثر سازی سود هدف غایی بنگاه تولیدی نیست. برای واحد های اقتصادی آنچه هدف مهم و اساسی است عبادت پروردگار در شقوق مختلف است که گاهی کسب دانش، گاهی کار و زمانی پرداخت زکات در کنار سایر عبادات مجموعه به هم پیوسته و معنی داری از روابط خالق و مخلوق را به نمایش می گذارد. در غیر این صورت خطر غلتیدن در دایره شرک و کفر پدید می آید که مغایر با عدالت عامه در نظام هستی شناسی جهان می باشد.

لذا تحقق عدالت در یک نگرش توحیدی و در یک چارچوب نظام مند و نگرش سیستمی قابل بررسی می باشد. در یک نگرش سیستمی شناخت نظام های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ارتباط بین خرده نظام های آن مورد توجه تحلیلگران مسایل توسعه قرار می گیرد و با بررسی مجموعه ساختارها، نهادها، سازوکارها و مقتضیات محیطی راه حل های مربوطه استنباط می گردد (جهانیان، ۱۳۸۲: ۲۴ و ۲۵). با چنین رویکردی مطالعه حاضر در پی نگاه سیستمی در برقراری عدالت از طریق فرایض دینی و رفتارهای اخلاقی به عنوان سازوکارها و بازوهای عملیاتی برای تحقق عدالت می باشد.

اهم این سازوکارها در مقاله حاضر عبارتند از دانش، کار و زکات. این سازوکارها جنبه های نهادی داشته و ماهیت عملکردی آنها درونزا می باشد. به طوری که سوخت مورد نیاز حرکت رشد و توسعه سیستم کل از درون آن تامین می شود. نتایج به دست آمده در این فرایند تعادل بخش، پایدار، فنا ناپذیر و هر دو جهانی می باشد. پیامد نهایی چنین فعل و انفعالها تحقق زندگی شرافتمندانه و سعادت‌مندانه در خور انسان موحد است که رسالت اصلی وی در زمین بعد از پرستش خالق هستی جانشینی وی بر زمین و زمینیان است.

بدین منظور ادامه مقاله حاضر در هفت بخش به همراه زیر بخش های مربوطه ارایه شده است. در بخش بعدی ابعاد یک الگوی توسعه مبتنی جامعه توحیدی تبیین شده

است. سپس در بخش سوم عدالت و نقش دولت اسلامی در بسط آن و گسترش تامین اجتماعی تشریح شده است. در بخش چهارم دانش و جایگاه بسیار ویژه آن در جامعه توحیدی تبیین و در بخش پنجم نقش خیره کننده زکات به عنوان محرک تولید و مقوم عدالت بررسی شده، در بخش ششم به موضوع کار به عنوان مکانیسم حیاتی برای تحقق سعادت دنیا و آخرت و نیز لزوم تقویت کار جمعی و روحیه تعاون مورد توجه قرار گرفته و در بخش پایانی جمع بندی مباحث ارایه شده است.

۲. ابعاد الگو توسعه از منظر توحیدی

اینکه آیا می توان یک مدل (الگوی) واحد توسعه مبتنی بر اندیشه دینی ترسیم نمود اتفاق نظری بین اندیشمندان اقتصاد اسلامی وجود ندارد. ولیکن همه آنها حداقل در دو بعد از ابعاد یک الگوی مطلوب اشتراک نظر دارند. اول اینکه هدف اصلی این مدل نیل به تکامل انسان از طریق کسب رضایت خداوند می باشد و دیگر اینکه شیوه رسیدن به هدف، اخلاق مدارانه و عادلانه باشد.

لذا آنچه الگوی توسعه در چارچوب توحیدی را از دیگر الگوها متمایز می کند، معیارهای اخلاقی و عادلانه آن است. این معیارها در رفتار واحد های اقتصادی نمود پیدا می نماید که در نهایت منجر به ظهور اقتصاد توحیدی می شود. در پارادایم توحیدی اسلام انطباق و الزام توأم رفتارهای عادلانه و اخلاق مدارانه برای تحقق اهداف عالی قابل توصیف می باشد. به عنوان نمونه، احتکار کالا به شدت مذمت می شود (توصیه شدید اخلاقی) تا قیمت ها به صورت طبیعی (عادلانه) در بازار نمود پیدا نماید. و یا مثلا مصرف مشروبات الکلی تحریم می گردد تا ضمن تکریم انسان و اصلاح سمت تقاضای بازار موجبات تخصیص بهینه منابع اقتصاد و انطباق منافع فرد و اجتماع را فراهم آورد.

اگر جوامع اسلامی برای تحقق همین دو مثال فوق بخواهند از دولت و قوه قهریه استفاده نمایند ضمن هزینه های بسیار زیاد موفقیت های لازم را با توجه به آنچه که جوامع اسلامی تجربه نموده اند به دست نخواهند آورد. در حالی که این اهداف از طریق سازوکارهای اخلاقی تحت عنوان فرایض دینی دست یافتنی می باشد.

بنابراین در یک الگوی نظام مند اسلامی تمام فرایض و دستورات دین می باید در چنین چارچوبی مورد توجه و مطالعه قرار گیرد. برآیند همه این فرایض و رفتار اخلاقی ظهور انسان متعالی و متکامل از یک سو و شکل گیری جامعه پیشرفته توحیدی از سوی دیگر است. از این انسان مسئول در بیان قرآن به عنوان "عبادالرحمن" یاد می شود.

بر این اساس رفتار عبادالرحمن در صورتی که مطابق با قواعد شریعت و ایجاد یک جامعه متوازن باشد عقلایی تلقی می گردد (طاهر و همکاران، مقاله سید عقیل، ۱۳۷۵: ۷۹). در این جامعه عدالت اجتماعی و اقتصادی از طریق مکانیسم ها و سازوکارهای اساسی و اصلی به دست می آید. لذا همان طور که شهید صدر (۱۳۵۷: ۲۴) می گوید مدل اسلامی یا سیستم اقتصاد اسلامی در کل احتیاج به طراحی جدید ندارد بلکه وظیفه ما تنها کشف و نمایان نمودن اجزای این سیستم است. بر این اساس می توان اذعان نمود که هر یک از فرامین و فرائض دینی بخشی از اجزا و قسمت های به هم پیوسته یک سیستم کلی و زیر سیستم های آن می باشد. یعنی احکام و فرایض دین اسلام یک سری دستورات منفک از هم و صرفا عبادی محسوب نمی شود. بر این اساس تمام آنچه که به عنوان فروع دین و نیز تاکیدات و مستحبات از یک سو و نیز محرّمات از سوی دیگر مطرح می شود زمینه های گوناگون و اجتناب ناپذیر رسیدن به اهداف توسعه را برای جامعه توحیدی به صورت نظام مند فراهم می نمایند.

از بین فرایض و دستورات دینی سه سازوکار اخلاقی اساسی و پایه ای وجود دارد که حرکت کل نظام اسلامی منوط به شکل گیری صحیح و مطابق با پارادیم توسعه توحیدی است. این سازوکارها شامل فریضه مالی (برای تحقق نظام مالی و تامین اجتماعی اسلامی)، فریضه علم و دانش (برای ایجاد یک نظام اسلامی تعلیم و تربیت و تحقیقات و فناوری) و فریضه کار (برای ایجاد نظام تولید و اشتغال) می باشد. بر این اساس فاصله گرفتن یا عدم استفاده از هر یک سازوکارهای مورد تاکید در نظام اسلامی می تواند دلیل عقلی و اخلاقی برای توضیح مشکلات توسعه نیافتگی ملل مسلمان باشد. قبل از پرداختن به این سازوکارها، در بخش بعدی ابتدا اهمیت و مصادیق عدالت و نیز نقش دولت اسلامی در برقراری عدالت توضیح داده می شود.

۳. عدالت در یک نگرش اسلامی

در نظریات معاصر دو اصل اساسی برای عدالت اجتماعی و اقتصادی، به عنوان بارزترین و مهمترین مصادیق اجرای عدالت، از اشخاصی چون راولز (۱۹۷۱) ارائه شده است که عبارتند از حق یکسان افراد برای دستیابی به آزادی و دیگری داشتن برابری های اجتماعی و اقتصادی (ولف^۱، ۲۰۰۸: ۱۸).

شبهه چنین موضع گیری را می توان در برداشت فردریک فون هایک^۲ که از عقل - گرایان

1. Wolff

2. Fridrich A.Von Hayek

و مدافعان لیبرالیسم نیز می باشد، ملاحظه نمود. از نظر وی عدالت اقتصادی و اجتماعی از طریق کنترل نظم اقتصادی و تنظیم ثروت به منظور فائق آمدن بر نابرابری ناشی از نظم بازار به دست می آید.^۱

چنین برداشت هایی از مفهوم عدالت اجتماعی و اقتصادی که در واقع برگرفته شده از متفکران و فلاسفه متجدد است، مغایرتی با تفکر اسلامی ندارد؛ مگر اینکه با قانون الهی در تضاد باشد؛ به طوری که از نظر امام علی(ع) عدالت پیروی از قانون الهی است (غررالحکم: ۲۲۶). قانون الهی از یک نظام طبیعی بر خوردار است و کشف روابط نظام مند از وظایف اصلی متفکرین اسلامی است.

از دیدگاه قرآن برقراری عدالت طبق سنت الهی در راس برنامه انبیاء بوده است: "به تحقیق فرستادیم رسولان مان را با بینه ها و فرو فرستادیم با ایشان کتاب و میزان را تا به قسط قیام نمایند."

با توجه به ویژگی درونی مفهوم عدالت در اسلام که در آن هر عملی عکس العملی دارد، مشکلات جوامع ریشه در رفتار های خودشان دارد. "همانا خداوند بر مردم هیچ ظلمی را روا نمی دارد و لکن مردم به خودشان ظلم می کنند" (یونس: ۴۴).

بخش قابل توجه این ظلم ها در حوزه اندیشه دینی شکل گرفته و بعد به حوزه های عملی جوامع اسلامی سرایت نموده است و نتیجه آن عقب ماندگی این جوامع شده است. بر این اساس گروهی از علمای اسلامی که به اشعری ها لقب گرفتند منکران عدل شدند. آنها اعتقاد داشتند قوانین اسلام تابع قاعده و قانون نبوده لذا تناقض زیادی در دستورات دین وجود دارد. اینها همان کسانی بودند که مردم را به تعبد صرف دعوت می نمودند و حق تعقل در دستورات دین را از مردم سلب کرده بودند و متوکل این باب فهم دین را اشاعه می داد (مطهری، ۱۳۷۷: ۸-۹۵۷).

البته تفکر اشعری همواره مخالفین جدی داشته که از جمله آنها اندیشه اعتزالی بوده است. این گروه طرفدار مباحث عدالت بودند و عدالت را به معنی "اعطاء کل ذی حق حقه" می دانستند. از دیدگاه آنها فرمان شارع تابع صلاح و فساد واقعی اشیاء است (مطهری، ۱۳۷۷: ۹۵۴). بر این اساس اگر شارع مقدس حکمی را صادر می نماید، از روی حکمت و عدالت است. بر این اساس نه تنها پیروی از عدالت خلاف شرع نیست بلکه عین شرع است. از این رو قانون الهی که همان عدالت است لازم الاجرا می باشد. تاریخ صدر اسلام محوریت عدالت در تصمیم گیری را به شدت تایید می کند و

۱. برای اطلاع بیشتر به مقاله کهن هوش نژاد در مجموعه مقالات توسعه مبتنی بر عدالت نگارش مسعود نیلی و همکاران (۱۳۸۷: ۲۲۵) مراجعه نمایید.

اصولا یکی از دلایل اساسی محبوبیت اسلام و گسترش سریع آن در صدر اسلام موضوع عدالت بوده است. از مصادیق این موضوع می توان به تامین هزینه زندگی خانواده های مسلمان و غیر مسلمان در حد نصاب و نیز توزیع مازاد درآمد های بیت المال در زمان پیامبر اسلام و امام علی (ع) و تقسیم عادلانه غنایم در غزوات در صدر اسلام اشاره نمود (صدر، ۱۳۷۵: ۳۲۷). در این تقسیم بندی ها مطابق سوره مبارکه انفال حقوق فردی، حقوق اجتماع و حقوق دولت اسلامی به طور مجزا مورد توجه قرار گرفته شده است. بر این اساس از دیدگاه پیامبر اسلام (ص) ارزش و احترام مال (مومن) چون ارزش و احترام جان اوست (حکیمی، ۱۳۷۰: ۲۱۳). لیکن احترام به مالکیت خصوصی منوط به لحاظ نمودن منافع اجتماع و دولت اسلامی می باشد. اصولا از دیدگاه اسلامی انسان موجودی جایز الخطا بوده و همه رفتار های اقتصادی وی لزوما مبتنی بر خط کش عقل حسابگر و منطق اقتصادی نمی تواند باشد (چپرا: ۱۳۸۵: ۱۱۴).

این انسان با فاصله گرفتن از ایمان به موجودی مسرف، عجول، حریص و بی تاب تبدیل می شود که هیچکدام از آنها با عقلانیت در رفتار و منافع اجتماعی سازگاری ندارد. لذا در یک نگرش اسلامی از طریق نهاد هایی مثل دولت و دستورات موجد اخلاقی این نقیصه قابل اصلاح می باشد. تامین عدالت و حقوق اجتماعی هدف اصلی این نهاد ها و روشهای اخلاقی است. نکته مهم در این بین آن است که اسلام نه تنها به حقیقت تعادل بلکه به کیفیت تعادل نیز توجه دارد. مثلا اینکه قیمت محصول در بازار تعیین شده و به تعادل می رسد کافی نبوده بلکه این نیز مهم است که آیا همه می توانند از این قیمت تعادلی بهره مند شوند. بر این اساس در تفکر اسلامی تعادل دلالت بر یک تعهد اجباری اخلاقی است برای افراد جامعه به منظور ایجاد توازن دقیق و سطح بالا در کلیه وجوه زندگی (نقوی، ۱۳۶۶: ۳۴).

۳.۱. نقش دولت اسلامی در برقراری عدالت و گسترش تامین اجتماعی

آنچه امروزه جوامع اسلامی را از حیث تحقق عدالت شدیداً تحت تاثیر قرار داده، نحوه عملیاتی کردن موضوع عدالت است. بر این اساس گروهی از متفکران تشکیل حکومت اسلامی را اجتناب ناپذیر می دانند. اینها باور و تاکید دارند که اساسا شکل گیری حکومت اسلامی برای تحقق عدالت است (نمازی و دادگر ۱۳۹۰: ۲۱۷).

اینکه در این پارادایم دولت در نظام بازار دخالت مستقیم نماید، محل تردید وجود دارد؛ لیکن نقش توزیعی دولت اسلامی بر کسی پوشیده نیست. لذا برای عملیاتی کردن زکات و سایر ابزارهای مالی و نیز مدیریت منابع عظیمی نظیر انفال نیاز به دولت

اسلامی است تا از این طریق عدالت تحقق یابد. تاکید خداوند است که "دارایی ها در میان توانگران دست به دست نگردهد" (حشر: ۷). این دستور موکد اخلاقی در یک نگرش سیستمی از یک سو با توزیع مجدد درآمدها موجب تحریک بخش تقاضای اقتصاد می شود، و از سوی دیگر عرضه محصولات را افزایش داده و موجبات اشتغال عوامل تولید بخصوص نیروی انسانی را فراهم می نماید.

به طریق اولی در یک الگوی مبتنی بر نگرش سیستمی و توحیدی اسلام تامین عدالت اجتماعی از وظایف اساسی دولت اسلامی است. نقش دولت اسلامی در تامین اجتماعی را می توان بر اساس دو اصل اساسی در مباحث فقهی و اقتصادی اسلام تبیین نمود؛ یکی، اصل تکافل عام یا همگانی و دیگری، اصل اعاله یا سهم بودن جامعه در درآمدهای دولتی. در اصل اول موضوع مسئولیت متقابل همگانی مطرح است که در آن مسلمانان جهان کفالت یکدیگر را بر عهده می گیرند. البته دولت در این بین بی مسئولیت نیست بلکه بالعکس وظیفه دولت را می توان در ملزم نمودن مردم به رعایت تکالیف قانونی شان مورد توجه قرار داد (شهید صدر، ۱۳۵۷: ۳۲۰).

به عبارت دیگر در این اصل نقش دولت بیشتر در جهت نهادینه سازی و قانون مندی وظایف و مسئولیت ها اجتماعی و اخوت اسلامی در بین مردم نمود پیدا می کند؛ گرچه طبق این اصل دولت موظف به تامین نیازهای ضروری و حیاتی مردم نیز می باشد. اما طبق اصل دوم، مردم حق بر خورداری از منابع و ثروتهای جامعه برای بهبود وضع زندگی را دارند و دولت راسا موظف است تا سطح زندگی و رفاه مناسب و عرفی را برای آنها تامین نماید. مسئولیت و ضمان دولت در این مورد، ضمان اعاله می باشد و اعاله فرد تهیه وسایل و لوازم زندگی او به طور مکفی است (شهید صدر، ۱۳۵۷: ۳۲۲-۳۲۳).

اینکه چگونه می توان این سیستم تامین اجتماعی را نهادینه نمود، بخش قابل توجه آن با عملیاتی کردن فرایض و دستورات اکید اخلاقی اسلام ممکن می گردد و لیکن عامل موفقیت در این نگرش سیستمی استقرار دولت عادل، مدبر و اخلاق مدار است. از نظر امام علی (ع) عدالت مایه استواری دولتها است (غررالحکم: ۲۲۶). نیز تدبیر بد کلید فقر و عامل هلاکت و نابودی، بدی تدبیر است (غررالحکم: ۱۹۱ و ۱۹۰). هم ایشان تاکید می کند که اندوه من این است که بر این امت کم خردان و بد کاران حکمفرمایی کنند و مال خود را میان خودشان دست به دست بگردانند (نهج البلاغه: ۱۰۵۰).

۴. جایگاه دانش در الگوی توحیدی اسلام

مطابق آیات قرآنی، در داستان خلقت آدم و در موضوع تفویض امر خلافت خداوند به آدم وجه تمایز انسان و فرشتگان در میزان دانایی تحت عنوان شناخت "اسماء الحسنی" بیان شده است. از دیدگاه اسلام ابتدا و انتهای همه فضیلت ها دانش است. روابط نظام مندی بین یادگیری و توسعه در پارادایم توحیدی اسلام وجود دارد که عدم توجه بدان ها عدم توسعه یافتگی فعلی در جوامع مسلمان را ابدی می نماید. اهم این روابط در زیر بخش های زیر تبیین می گردد.

۴.۱. واجب بودن دانش برای همه مسلمانان

در یک مدل اقتصاد اسلامی سواد از معدود کالا های واجب به حساب می آید. به طوری که کسب دانش از دیدگاه اسلام امری است فریضی برای تمام زنان و مردان. متأسفانه جوامع اسلامی ارزش متاع گراندقدر و مهم دانش را پیدا ننموده است. نرخ بالای بی سوادی بخصوص در بین زنان امر رایجی است که این مهم را تایید می کند. فاجرلیند (۱۳۷۵: ۲۳۰-۲۲۹) به این موضوع می پردازد که گرچه در اسلام برابری زن و مرد در رسیدن به تعلیم و تربیت مورد تاکید قرار گرفته است و اسلام در واقع آن را تضمین نموده است، لیکن کشورهای مسلمان اصرار دارند که زنان در یک موقعیتی قرار بگیرند که به ثبات خانواده بیشتر کمک نمایند. چنین انحراف در افکار مسلمین نه تنها ثبات در نهاد خانواده و آموزش و پرورش را ایجاد ننموده بلکه این جوامع را در ردیف کشورهای بی سواد و فقیر قرار داده است.

۴.۲. فراگیر بودن زمانی و مکانی دانش و توزیع عادلانه دانش

از منظر اسلام فراگیری دانش از کودکی تا مرگ و تا اقصی نقاط دنیا مورد تاکید قرار گرفته است. یعنی شناخت و حل مسایل پیرامون زندگی زمان و مکان نمی شناسد. همچنین امروزه متخصصین اقتصاد توسعه، اقتصاد آموزش و پرورش و نیز مالیه عمومی بر این امر اصرار دارند که طبیعی ترین و پایدارترین روش اجرای عدالت توزیع عادلانه آموزش در جامعه است؛ به طوری که این امر یکی از شرایط احراز عملکرد مورد انتظار و موفقیت آموز بازار رقابت کامل در تخصیص منابع و توزیع عادلانه درآمد عوامل تولید تلقی و تاکید می شود.

در اسلام از یک سو عدالت جنسیتی در آموزش و پرورش لحاظ شده به طوری که توزیع آن بین زن و مرد کاملاً عادلانه است. از سوی دیگر بین نژاد ها و اقوام توزیع

برابر تجویز شده به طوری که معروف است در واقعه جنگ بدر پیامبر اسلام (ص) آزادی هر اسیر دشمن را به باسواد نمودن ده نفر از مسلمانان منوط کردند. اقدام بسیار خیره کننده اخلاقی در این ماجرا آن بود که ایشان توزیع برابر و عادلانه سواد آموزی بین همه جوانان انصار، مهاجرین و بنی هاشم را مورد تاکید قرار می دهند (صدر، ۱۳۷۵: ۳۲۷).

از ابعاد متعدد انسانی، اخلاقی، حقوقی، اجتماعی و مدیریت استراتژیک می توان به این واقعه تاریخی نگریست. اینکه چگونه اسلام چنین برخورد ظریف و تامل برانگیزی با انسان ها و جوامع درگیر در جنگ می نماید، بسیار درس آموز می باشد. هم دوست و هم دشمن تحت تاثیرسازنده این تدبیر حیرت انگیز پیامبر اسلام (ص) واقع می شود. معامله صورت پذیرفته زندگی همه آنها را تحت تاثیر قرار داد. پیوند آزادی و آموزش در این اقدام تامل برانگیز است؛ ضمن اینکه سواد صلح در جوامع را می تواند تقویت نماید. این موارد در کنار مصادیق دیگر ترجمانی است که پیامبر اسلام چگونه در یک پارادایم توحیدی تهدید را در شرایط جنگی تبدیل به فرصت عظیمی در موضوع تشکیل سرمایه انسانی و اجتماعی بر محور اخلاق و عدالت می نماید.

۴.۳. سودمند بودن دانش

در دنیای معاصر آدم اسمیت شاید نخستین فردی بود که به اهمیت دانش های مفید در یک نگاه سیستمی پی برد (ستاری فر، ۱۳۷۴: ۱۹۰). می توان دانش های مفید را به آن دسته از دانش ها اطلاق نمود که مبین و محرک رشد و توسعه اقتصادی باشد. در غیر این صورت هزینه آموزش و پرورش و مخارج سرمایه انسانی به مخارج سرمایه فیزیکی افزوده شده و کل مخارج را بین یک-سوم تا یک-دوم افزایش داده ولذا فاصله کشورهای فقیر و غنی در به کارگیری سرمایه تولید سهمناک تر می شود (هو جن دورن، ۱۹۹۲: ۳۰۳).

این موضوع ظریف در صدر اسلام مورد غفلت واقع نبوده است. بر اساس گفتار امام علی (ع) در دانشی که در آن فایده نباشد و علمی که از آن سودی حاصل نیاید آموختنش شایسته نباشد (نهج البلاغه، نامه ها: ۳۱). از این جهت در یک نگرش دینی آموزش و سرمایه گذاری در هر علمی مد نظر نبوده بلکه تاکید بر آن است که علوم نافع مورد توجه قرار گیرد و حتی از بین این علوم ترتیب اهمیت نیز رعایت شود. علت این تاکید به سرعت یافتن فرایند های رشد و توسعه اقتصادی و تحقق توأم رفاه اجتماعی و شناخت دستگاه خلقت و نظام طبیعت در یک پارادایم توحیدی است.

۴.۴. تشکیل سرمایه انسانی موحد و اخلاق محور

آموزش علم از راه های اساسی است که منجر به افزایش توان نیروی انسانی می گردد؛ لیکن تربیت و تزکیه همراه با تعلیم مورد تاکید اسلام است.

وظیفه اساسی آموزش و پرورش فراتر از رشد اقتصادی بوده و آن عبارت است از نهادینه کردن اخلاق و رفتار مطابق اهداف عالی جوامع. همانگونه که ژاک هلک (۱۹۹۰) می گوید باید در مورد آموزش و پرورش از دیدگاه های اقتصادی و روانشناختی بگذریم و بیشتر به ابعاد اساسی، اخلاقی و انسانی آن توجه نماییم.

در یک الگوی اسلامی تعلیم و تربیت، برای ساخت انسان موحد و پرهیزگار نقش آموزه های دینی در کنار نهاد های دینی از قبیل مسجد، مدارس دینی و موقوفات آموزش و پرورش رسمی توسط دولت اسلامی انکار ناپذیر می باشد. مسئولیت اساسی این نهاد ها تربیت و تشکیل نیروی انسانی اخلاق گرا و موحد است.

در این راستا می باید اذعان نمود که اولاً، عملکرد و رسالت اصلی دین اسلام در گسترش اخلاق نهفته است و پیامبر اسلام(ص) بارها هدف از بعثت خود را تکریم مکارم اخلاق اعلام نموده است. ثانیاً، از جنبه اخلاقی فراگیری دانش در اسلام در زمره حقوق بشر تعیین شده است که شامل همه انسان ها اعم از زن و مرد می باشد. ثالثاً، اخلاق یک عامل اساسی و تعیین کننده در میزان و کیفیت درآمد های کسب شده و رشد اقتصادی می باشد؛ به طوری که از نظر امام علی (ع) اکسیر روزی در خوش اخلاقی است و با تواضع است که نعمت ها به کمال می رسد (شرح نهج البلاغه، ۳۳۹/۲۰: حدیث ۸۸۴).

بدین ترتیب آنچه در الگوی اسلامی تعلیم و تربیت بدان توجه جدی می شود، ظهور و بروز اخلاق کریمانه در انسان متعلم می باشد.

۴.۵. دانش فنی اخلاق گرا و عدالت محور

با تحقق تشکیل سرمایه انسانی اخلاقی و موحد زمینه اولیه و اساسی رشد و توسعه اقتصادی مطابق با جامعه توحیدی فراهم می گردد. در واقع با نیروی انسانی موحد قابلیت بهره مندی از تکنولوژی به وجود آمده در کلام امام علی (ع) که به آن با اصطلاح "غورالعلم" (عمق دانایی) یاد می کنند، ممکن می گردد (حائری، ۱۳۷۸: ۲۰۵-۲۰۴). در واقع انسان موحد وقتی به عمق دانایی و دانش فنی رسید، توانایی لازم برای فهم دین و احکام آن را می تواند داشته باشد. "آنکه نیکو فهم کند، به عمق دانایی رسد و هرکه به عمق دین رسد، از آبشخور احکام دین سیراب بیرون آید" (نهج البلاغه، کلمات

قصار: ۳۱). از دید ایشان غورالعلم از شعبه های عدالت است (نهج البلاغه، کلمات قصار: ۳۱). لذا آن تکنولوژی که با عدالت ناسازگار باشد، از منظر اسلامی مردود است. بدین ترتیب در یک چارچوب توحیدی یک رابطه تنگاتنگ بین انسان، آموزش، دانش فنی و عدالت پدید می آید. حلقه اتصال همه این مفاهیم اخلاق است و مولود آن "انسان موحد و متعالی" می باشد. این پروسه پیچیده و زمان بر بوده و در این بین است که «انسان موحد و متعالی» به عنوان هدف توسعه در الگوی اسلامی و نیروی انسانی خام پیوند اساسی برقرار می شود. البته موفقیت و تداوم هر الگو به قدرت ایجاد انسجام و تجانس اجتماعی مربوط می شود (گلایبی، ۱۳۷۰: ۲۶-۲۵). بر این اساس ظهور انسان موحد منوط به شکل گیری منسجم فلسفه و نظام تعلیم و تربیت توحیدی می باشد.

۵. زکات مهمترین سازوکار مالی و اخلاقی در برقراری عدالت و توسعه

واژه زکات در زبان عربی از ریشه زکی گرفته شده است و دو معنای بسیار درخور تامل دارد. یک معنای آن به موضوع تزکیه و معنای دیگر آن به موضوع رشد و فزونی می پردازد. یعنی در عبارت زکات هم توسعه و تعالی انسان و جامعه و هم رشد و شکوفایی اقتصادی نهفته است.

زکات در ادیان ابراهیمی سابقه داشته. بیان قرآن در آیه ۸۳ سوره بقره موید این موضوع است: "و هنگامی که پیمان گرفتیم از بنی اسرائیل که عبادت نکنید مگر خداوند را و به پدر و مادر احسان کنید (و نیز) نزدیکان و ایتام و بینوایان و به مردم گفتار نیک بگویید و نماز را به پا دارید و زکات را ادا کنید، سپس روی گردانیدید مگر کمی از شما و شما از اعراض کنندگان می باشید".

بسط فریضه زکات و نیز دستور جمع آوری و تمرکز آن در مدینه و در سوره توبه آیه های ۶۰ و ۱۰۳ آمده است.

در آیه ۶۰ سوره توبه (مطابق با ترجمه تفسیر نمونه) خداوندگار بیان می نماید که: "زکات مخصوص فقرا و مساکین و کارکنانی است که برای (جمع آوری) آن کار می کنند، و کسانی که برای جلب محبتشان اقدام می شود، و برای (آزادی) بردگان و بدهکاران و در راه (تقویت آیین) خدا، و واماندگان در راه، این یک فریضه (مهم) الهی است و خداوند دانا و حکیم است".

همچنین آیه ۱۰۳ در سوره فوق بیان می دارد: "از اموال آنها صدقه ای (زکات) بگیر تا به وسیله آن، آنها را پاکسازی کنی و پرورش دهی، و به آنها (هنگام گرفتن زکات) دعا کن که دعای تو مایه آرامش آنها است و خداوند شنوا و دانا است".

۵.۱. ویژگی های منحصر به فرد نهادی و اخلاقی در سازوکار مالی زکات

در این مقاله از جنبه های فقهی زکات بحث نمی شود، و اساسا هدف نوشته حاضر آن نمی باشد. مقاله حاضر در پی تبیین و تحلیل روابط مهم بین موضوع زکات و نیز کارکرد های اجتماعی و اقتصادی می باشد.

بدین منظور باید اذعان نمود علی رغم اینکه پرداخت زکات یک عمل عبادی است؛ لیکن کارکرد آن کاملا اخلاقی و اجتماعی است. یعنی منافع فرد در گرو تحقق عدالت و پرداخت حقوق اجتماعی است.

جهت آشنایی با این موضوع شاید بهتر باشد به موارد مصرف زکات در آیه ۶۰ سوره توبه توجه اساسی شود. همچنین شرایطی برای اخذ زکات در مذاهب مختلف اسلامی وجود دارد که هر یک می تواند گوشه هایی از راز های نهفته در پس تشریح زکات را تشریح نماید. تا بدین سان بخشی از ویژگی های منحصر به فرد فلسفه زکات در نزد ادیان توحیدی و بخصوص اسلام را به دست آورد.

الف) زکات به عنوان یک سازوکار مالی قوی

مصادیقی که زکات بدان ها تعلق می گیرد در قرآن ذکر نشده است ولی آنچه که مسلم است به عنوان صدقه واجب مورد تاکید قرار گرفته که آن را از انفاق و صدقات مستحب جدا می سازد. به عبارت دیگر پرداخت زکات یک تکلیف است و بار حقوقی عظیمی دارد.

تاکیدات بسیار زیاد خداوند در قرآن به زکات، و در کنار فریضه نماز، نشان از اهمیت این موضوع در جهت ساخت جامعه متعادل و توحیدی دارد.

این مهم تحقق نمی یابد جز در قالب تاسیس نظام تامین مالی جامع و پایدار اجتماعی که ابعاد آن در بخش سوم توضیح داده شد.

ب) مخالفت جدی با فقر و تنگدستی

عمده دلیل فرمان زکات برای مبارزه با پدیده شوم فقر و تنگدستی بوده است. اصولا از دیدگاه اسلام فقرا حقوقی قطعی در اموال اغنیاء دارند. "همانا خداوند عزوجل برای فقرا در اموال اغنیاء آن مقداری قرار داده است که آنان را کفایت می کند" (نور: ۳۲). و لذا در کلام امام علی (ع) تاکید می شود که هیچ فقیری گرسنه نماند، مگر آنکه توانگری حق او را باز داشته است (کلمات قصار).

برگشت این اموال به صاحبان اصلی در جامعه از طریق انفاق (که داوطلبانه است) و نیز مالیات ها و صدقات واجب (زکات) می باشد. هر دو طریق تامین مالی منابع

اسلامی بر محور اخلاقیات و نهادینه نمودن تعهدات اجتماعی در مبارزه با فقر و به دنبال انجام فعالیت های اقتصادی منظور شده است. بر این اساس انطباق هرچه بیشتر منافع واحد های اقتصادی و منافع آحاد اجتماعی که محروم از وسایل تولید و رقابت عادلانه می باشند، از این طریق قابل دسترسی است.

ج) حفظ حقوق اجتماع و محیط زیست

سازمان تامین اجتماعی در اسلام با توجه به آنچه در بخش سوم گفته شد، بر پایه بسط عدالت و تامین توام حقوق فرد و جامعه و دخالت دولت شکل می گیرد. بر این اساس زکات وسیله ای است نهادی، دایم و لاینقطع جهت تامین حقوق جامعه و محیط پیرامون فعالیت های افراد، بنگاه ها و بازار؛ به طوری که به عنوان مثال از شرایط تعلق و اعمال زکات به چهارپایان استفاده مجانی دارندگان این دامها از منابع طبیعی و مراتع می باشد (مدرسی، ۱۳۶۳: ۶۱)؛ یعنی تخریب محیط زیست و طبیعت هزینه و تاوانی دارد که از طریق مکانیسم زکات قابل جبران می باشد. همچنین در مکانیسم پرداخت زکات انتقال ثروت از ثروتمندان به فقرا در همان منطقه امکان پذیر است که این موضوع منجر به انسجام و یکپارچگی اجتماعی می گردد و چنین امری از طریق ترتیبات فرامنطقه ای به ندرت می تواند حاصل شود (صدیقی، ۱۳۸۸: ۱۸۱). این بیان که بیشتر در فقه اهل سنت دیده می شود، اولاً، موضوع زکات را به عوارض شهرداری ها شبیه می کند و تاثیرات این نوع ابزارها و سازوکارهای آن ملموس تر و سریع تر از روشهای معمول در دولتهای ملی می تواند باشد. ثانیاً، با ریزتر کردن مناطق به محله ها و حتی همسایه های محله ها از یک سو سرعت تعدیل بیشتر می شود و از سوی دیگر تعمیق اثرات نهادی زکات را موجب می شود.

د) تامین اجتماعی و حمایت از زندگی شرافتمندانه و آزادی

حمایت از مسکینان از نکات بسیار برجسته دیگر در موضوع زکات می باشد. بر این اساس تامین نیاز خانه نشینان که ناتوان از کار در جامعه بوده اند، در اولویت بعدی از حیث استفاده از منابع زکات به شمار می آیند. تامین مالی و اجتماعی این گروه که می تواند شامل افراد عادی در زمان پیری هم شود، هم از نظر روانی و هم از بعد اجتماعی امید به زندگی و حق حیات در جامعه اسلامی را در افراد و اجتماع فراهم می نماید.

۱. مقاله چاپ شده در مجموعه مقالات "گفتارهایی در مالیه عمومی دولت اسلامی" تالیف محمود جولید، ترجمه داود منظور.

بدین ترتیب سازوکار زکات در درون خود به صورت نهادی می باشد که یک کار کرد تامین اجتماعی به معنای امروزی را در خود دارد.

همچنین تالیف قلوب و محبت انسان ها، چه آنهایی که به دین اسلام گرویده اند و چه آنهایی که مسلمان نیستند، از جمله نکات خیره کننده و الهام بخش دستور مصرف زکات است؛ به طوری که زکات تنها یک کارکرد صرف مالی برای رفع نیاز های مادی نداشته بلکه در درون خود مباحث روحی، انسانی و فرهنگی و در یک کلام توسعه اخلاقی را در بر می گیرد. این مهم در آزادی بردگان و زندانیان و نیز حفظ حرمت در راه ماندگان بی سر پناه نمود عینی تری پیدا می نماید.

ه) تامین مالی فعالیت های تولیدی، بازرگانی و کارگزاری

از نکات شگفت انگیز مصرف زکات رفع مشکلات مالی بدهکاران در جامعه است. بدهکاری یک عارضه نگران کننده برای عاملان تولید کالا و خدمات می باشد. شارع مقدس برای استمرار جریان تولید و بازرگانی و تامین اشتغال و رفاه اجتماعی، دولت اسلامی را موظف می نماید بخشی از منابع زکات را در این راه خرج نماید. همچنین از نکات جالب توجه در این مورد می توان به تامین مالی کارگزاران زکات اشاره نمود. چیزی که در مالیه جدید و نیز مدیریت منابع انسانی به عنوان تامین حقوق و دستمزد مکفی ماموران مالیاتی و کارکنان سازمان از آن یاد می شود.

۵.۲. غفلت از زکات در جوامع اسلامی و انتقاد از وضع موجود

زکات به عنوان مهمترین ابزار مالی دولت اسلامی برای تحقق عدلت و توسعه مورد غفلت قرار گرفته است. در واقع این فریضه الهی و اخلاقی به طور قابل قبولی در جوامع اسلامی عملیاتی نشده است. در این راستا قابل ذکر است که اولاً، اطلاعات تجربی بسیار اندکی در مورد بازدهی بالقوه و حجم عملیاتی این ابزار اساسی در دست است. ثانیاً، مطالعات اندک انجام گرفته شده در این مورد حکایت از سهم بسیار پایین زکات از تولید ناخالص داخلی کشور های مسلمان دارد. به عنوان نمونه در محاسبات انجام شده در سال ۱۹۸۴ توسط زرqa سهم بالقوه زکات برای سوریه و سودان به ترتیب ۳ و ۳/۶ درصد تولید ناخالصی این کشورها نشان داده شده است. همچنین فوادالعمر^۱ در سال ۱۹۹۵ سهم زکات از تولید ناخالص داخلی کشور کویت را تنها ۲/۱ درصد برآورد می نماید (اقبال و طریق الله خان، ۱۳۸۸: ۴۵). البته این سهم اندک به هیچ وجه

1. Fuad al Omar

تعجب بر انگیز نیست زیرا نزد اهل سنت نرخ زکات المال ۲/۵ درصد از کل ثروت خالص را تشکیل می دهد (همان: ۴۴).

چنانچه چنین مطالعات میدانی و تجربی در مورد ایران صورت پذیرد، بعید نیست که نسبت مذکور را حتی پایین تر از موارد فوق نشان دهد؛ زیرا اصولاً اخذ زکات هم از جنبه های فقهی و هم از جنبه های نهادی با محدودیت و مسایل متعددی در ایران روبرو است و برآیند آنها ضعف و ناچیز بودن زکات را به وجود آورده است.

تاکید زیاد قرآن به زکات قطعاً تأمل بر انگیز است. مسلماً شارع مقدس اهداف بسیار زیادی از تبیین زکات به عنوان یک فریضه اساسی داشته است که با نسبت های پایینی از درآمد و ثروت خالص افراد و یا سایر موارد تصریح شده نزد اهل سنت و مصادیق محدود نه گانه آن در فقه شیعه سازگاری ندارد. اینکه آیا زکات می تواند منبع مطمئن و قابل اتکایی برای دولت اسلامی باشد، یک سؤال اساسی برای مالیه دولت اسلامی است. گروهی ممکن است با تأکید بر سایر منابع مالی غیر مالیاتی دولت اسلامی نظیر انفال و یا انواع صدقات مستحبی و انفاق در صدد توجیه سهم ناچیز زکات باشند. در پاسخ به این گروه بایستی اذعان کرد که مواردی نظیر انفال که متعلق به همه نسل ها می باشند، نمی تواند کارکردی همچون زکات داشته باشند که از تولید و درآمدهای جاری کسب می شود. از سوی دیگر انفاق و صدقات استجابی در یک نظام برنامه ریزی شده نمی تواند خیلی قابل اتکا باشد. آنچه باقی می ماند سایر درآمد های مالیاتی دولت اسلامی نظیر خمس، خراج و جزیه است. در پاسخ می باید اشاره کرد که زکات را می توان در معنای اعم شامل این نوع مالیات ها هم دانست. زیرا کارکرد های توزیعی مشابهی دارند. درک این مهم تنها در گرو شناخت جدید ما از زکات پیش می آید که موضوعی کاملاً فقهی و استدلالی است.

آنچه که در این استدلال بایستی مورد توجه قرار گیرد رابطه بین تشکیل دولت رفاه و حجم مالیات است. بر این اساس، شاخص نسبت درآمدهای مالیاتی و تولید ناخالص داخلی که در کشور های پیشرفته است. این شاخص در کشور های اسکاندیناوی بسیار خیره کننده می باشد.^۱ به عنوان نمونه در فاصله سالهای ۲۰۰۹-۲۰۰۴ حجم مالیات های اخذ شده در نروژ، دانمارک و سوئد به ترتیب ۵۰/۱، ۵۰/۷ و ۵۱/۹ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشورها را تشکیل داده که این نسبت برای کشورهای پیشرفته و صنعتی فرانسه، انگلستان و آلمان طی دوره مذکور به ترتیب ۴۲/۳، ۳۷/۴ و ۳۶/۴ درصد

۱. همان کشور هایی که بحران های مالی اقتصادی و مالی کشورهای غربی دامن آنها را نگرفته است و همچنان رشد اقتصادی باثباتی را تجربه می کنند.

بوده، در حالی که نسبت مورد نظر برای مصر، ترکیه و اندونزی، به عنوان کشورهای بزرگ اسلامی، به ترتیب ۲۴/۶، ۱۷/۲ و ۱۶/۸ برای دوره مذکور گزارش شده و با کمال تاسف شاخص مذکور برای ایران ۶/۷ درصد محاسبه شده است (دادگر، ۱۳۸۹: ۱۴۴-۱۴۰).

همان طوری که ملاحظه می شود کشورهای اسلامی نه تنها از زکات بی بهره می باشند، بلکه مالیات نیز نقش نامناسب و ناچیزی در اقتصاد آنها ایفاء می نماید. با این وضعیت چگونه می توان شاهد رفع فقر و محرومیت، توزیع عادلانه درآمد ها و نیز رشد و توسعه اقتصادی در این کشور ها شد.

۶. اصالت کار در جامعه توحیدی

اسلام به طور جد به کار اصالت داده تا جایی که کار و کوشش انسانی مبنای اساسی مالکیت در اسلام را تشکیل می دهد. به همین میزان اسلام از بیکاری تنفر داشته و حتی از حیث اخلاقی آن را مقدمه ای برای از دست رفتن آخرت فرد می داند. از نظر امام باقر (ع) کسی که در امر دنیای خود کسل باشد، نسبت به امور اخروی خود کاهل تر است (درآمدی بر اقتصاد اسلامی، ص ۳۰۱ به نقل از وسایل الشیعه، ج ۱۲، باب ۱۸، حدیث ۱). و در نقطه مقابل از منظر اخلاق اسلامی اهمیت و موقعیت کار به مراتب بالاتر از شهادت در راه خدا توصیف می گردد (حکیمی، ۱۳۷۰: ۲۳۳-۲۳۱).

این موضوع در واقع بیانگر نمود عینی از توحید افعالی است. یعنی ساخت جامعه توحیدی در عمل از طریق اصالت دادن به کار ممکن می گردد به طوری که "ایاک نعبد و ایاک نستعین" در میدان عمل و کار معنی حقیقی خود را پیدا می کند. عکس این رویکرد سستی، بیهودگی، گستاخی و غفلت از هدف آفرینش می باشد. از نگاه امام صادق (ع) خداوند نان را چنان قرار داد که جز با نیروی کار و مهارت و تلاش به دست نیاید، تا انسان به کار مشغول گردد و از پیامد های بیکارگی و گستاخی رفاه زدگی و بیهودگی بازماند (الحیاه: ۸۷/۳).

در یک پارادایمی که کار به عنوان مبنای اساسی برای تشکیل جامعه توحیدی تلقی می شود دلایل و ویژگی های این پارادایم را می توان به صورت ذیل بیان نمود.

۶.۱. آبادانی دنیا و آخرت بر مبنای کار

برای تشکیل جامعه توحیدی، توسعه اشتغال از حیاتی ترین و مهمترین سازوکارها است. سعادت نصیب شده در این پارادایم ابدی می باشد و این وجه تمایز اساسی با مکاتب مادی و غیر توحیدی است. زیرا در یک الگوی توحیدی توسعه دنیا و آخرت در طول هم قرار نه در عرض یکدیگر و هیچیک بدون دیگری مفهومی ندارد. درک آخرت و پاداش های آن بدون تجربه دنیوی غیر ممکن است. "و خداوند آسمان ها و زمین را به حق آفرید و با این هدف که هر کس آنچه به دست آورده به همان مقدار پاداش ببندد و به کسی ستم نرسد" (جاثیه: ۲۲).

بر این اساس دنیا به مثابه مزرعه ای برای آخرت تعریف شده است. از این رو خداوند بشر و جانشین خود را مامور و مسئول آبادانی زمین قرار داده است. "شما را از زمین پدید آورد و آبادانی آنرا به شما سپرد" (هود: ۶۱). بر همین اساس خداوند آدم را پس از توبه به زمین فرود آورد تا آن را با نسل او آباد کند (نهج البلاغه: خطبه ۹۱، بند ۸۵). یعنی توبه واقعی ابناء بشر در گرو ساخت مجدد بهشت از طبیعت موجود در زمین می باشد و این ترجمانی از توحید افعالی است.

بدین سان توجه همزمان به دنیا و آخرت و بهره مندی از لذایذ هر دو جهان از ویژگی های خاص تفکر توحیدی اسلام بوده است که می باید در اتخاذ استراتژی و الگوهای توسعه مورد توجه قرار گیرد.

در این پارادایم هم به ابدی بودن زندگی در جهان هستی و هم گذرا بودن در منزل دنیا توجه می شود. این مهم در کلام امام علی (ع) تحت عنوان: "اعمل لدنیاک کانک تعیش فیها ابدا و اعمل لآخرتک کانک تموت غدا" بیان می شد.^۱ بر این اساس برای یک موحد همواره مبادله ذهنی و عینی بین "اختیار و آزادی" و "صبر و امساک" به وجود می آید. از این رو انتخاب "هوشمندانه" بر اساس منفعت دایم و ابدی ملاک تصمیم گیری است. تنظیم نحوه زندگی در دنیا و آخرت هم از این معیار تبعیت می کند. لذا فرد موحد کاری را انجام می دهد که در هر دو سرا به خیر و منفعت برسد. بر این اساس "از دنیا همان اندازه بهره توست که در آن به آبادانی خانه آخرت خود به پردازی (نهج البلاغه، نامه ها: ۳۱).

۶.۲. کار بر مبنای انگیزه های تعاون و توحید جمعی

از وجوه تمایز دیگر تفکر توحیدی اسلام با تفکرات مادی و سرمایه داری دایره و ابعاد

۱. چنان زندگی کن که گویی تا ابد آن را خواهی داشت و چنان به آخرت بپرداز که گویی فردا می میری.

انگیزه فعالیت های اقتصادی و اجتماعی است؛ به طوری که دایره منفعت طلبی شخصی در اسلام در چارچوب منفعت اجتماعی موضوعیت عینی پیدا می کند. و لذا در اسلام تصریح می شود که یدالله مع الجماعه. اصولاً نزد اسلام به "انسان فردی" در کنار "انسان جمعی" همزمان نگاه می شود (نقوی: ۳۰). این دو مفهوم از هم جدا نیستند؛ به طوری که فرد حاضر است حتی جان و مال خود را برای بقای امت اسلامی و تامین معاش عیال خداوند اهدا نماید. از منظر اسلام همه آفریدگان عیال خداوند محسوب شده و لذا از منظر توحیدی اسلام محبوب ترین افراد نزد خدا کسی دانسته می شود که برای عیال خدا بخشنده تر باشد (پیامبر اسلام (ص)، بحار: ۱۱۸/۹۶). از جمله مصادیق این پارادایم روزه داری می باشد که در آن منافع فرد و جمع به هم وصل می گردد؛ به طوری که در کنار آثار روحی که روزه برای فرد روزه دار دارد، معنای حقیقی و توحیدی وقتی پیدا می شود که در پیوند با منفعت جمعی باشد و عید فطر مظهر این پیوند است و روزه داران به شرط پرداخت زکات فطره موردتاییدقرار می گیرند. بدین ترتیب در یک پارادایم دینی و در یک شبکه اجتماعی و توحیدی امر فریضی برای ارتقاء فردی همزمان به یک سازوکار مالی و اخلاقی قوی در جهت مبارزه با فقر، گرسنگی و بدهکاری و امثالهم در اجتماع تبدیل می شود.^۱

۷. جمع بندی و نتیجه گیری

از نگاه این مقاله می توان به یک اقتصاد توحیدی در قالب نگرش سیستمی نایل شد. براین اساس روابط نظام مند و سیستماتیک بین سازوکارهای تعریف شده شامل سازوکارهای علمی، مالی و تولیدی (کار) به عنوان فرایض دینی (رفتار اخلاقی) و تحقق جامعه توحیدی وجود دارد. هر یک از این سازوکارها مکانیسم های اجرایی نظام جامع عدالت و توسعه را در چارچوب جامعه توحیدی به وجود می آورند. گرچه ماهیت عبادی هر یک از این سازوکارها اجرای آن را در سطوح خرد نیز ممکن می کند، لیکن در سطح کلان و با نگرش سیستمی به شرط وجود یک دولت تمام عیار اسلامی می توان به شکل گیری جامعه توحیدی امیدوار بود. با این نگاه، توسعه نیافتگی جوامع اسلامی از یک سو به علت فقدان دولت های مورد تاکید اسلام و از سوی دیگر به علت ضعف در شناخت تفکر سیستمی پیرامون سازوکارهای درونزای نظام اسلامی در

۱. اگر به دعای توصیه شده در پایان نماز های روزانه ماه مبارک رمضان (اللهم ادخل علی اهل القبور السرور، اللهم اغن کل فقیر، اللهم اشبع کل جائع ...) که متناسب به پیامبر اسلام (ص) است، توجه شود، ملاحظه می گردد که این ماه فرصت استثنایی برای یاد آوری و دعوت برای حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی - گروهی جامعه است. و جالب اینکه موضوعات دعا در برگیرنده مسائل دنیا و آخرت همه انسان ها می باشد.

قالب رفتارهای اخلاقی و دستورات دینی می باشد. از این رو عدم بسط و گسترش دانش و فناوری، عدم رشد و تکوین مفهوم زکات در معنای خاص و عام آن و نیز فراموشی اهمیت و اصالت کار موجب بروز اوضاع اسفناک کنونی در جوامع اسلامی شده است. عبور از این فضای غیر قابل قبول و رسیدن به جامعه مطلوب توحیدی در گرو تن دادن به مکانیسم های تعبیه شده در دین اسلام ممکن می باشد؛ که از بین آنها توجه به سه فریضه و رفتار اخلاقی یاد شده در مقاله کارکرد های اجتماعی و اقتصادی سریع، پایدار و وسیعی را در تحقق جامعه توحیدی و اجرای عدالت با خود به همراه دارند.

فهرست منابع

- قرآن مجید
- نهج البلاغه
- آمدی، عبدالواحد تمیمی (۱۴۱۳ ق) "غرر الحکم و دررالکلم"؛ سازمان تبلیغات اسلامی.
- ابن ابی الحدید؛ "شرح نهج البلاغه"؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- اقبال، منور، طریق الله خان (۱۳۸۸) "تامین مالی مخارج دولت از دیدگاه اسلام"؛ مترجمان عبدالحسین جلالی و مسلم بمانپور؛ تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- تفسیر نمونه (۱۳۷۶) ناصر مکارم شیرازی و همکاران؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ژاک هلک (۱۹۹۰) "سرمایه گذاری برای آینده آموزش و پرورش"؛ ترجمه عبدالحسین نفیسی؛ چاپ اول ۱۳۷۱، انتشارات مدرسه، وزارت آموزش و پرورش.
- دادگر، یداله (۱۳۸۹) "مالیه عمومی و اقتصاد دولت"؛ تهران: پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس و انتشارات نور علم، چاپ پنجم.
- جولید، محمود (۱۳۸۸) "گفتارهایی در مالیه عمومی در اسلام"؛ ترجمه داود منظور؛ تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- حائری، محسن (۱۳۷۸) "اندیشه های اقتصادی در نهج البلاغه"؛ ترجمه عبدالعلی آل بویه لنگرودی؛ تهران: انتشارات بنیاد نهج البلاغه.
- حر عاملی، محمد ابن حسن (۱۳۹۱) "وسائل الشیعه"؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حکیمی، محمد (۱۳۷۰) "معیارهای اقتصادی در تعلیم رضوی"؛ مشهد: آستان قدس رضوی، چاپ اول.
- جهانیان، ناصر (۱۳۸۲) "اهداف توسعه با نگرش سیستمی"؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
- چپرا، عمر (۱۳۸۵) "آینده علم اقتصاد، (چشم انداز اسلامی)"؛ ترجمه احمد شعبانی؛ انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه؛ "درآمدی بر اقتصاد اسلامی"؛ تهران: انتشارات سمت، چاپ سوم.
- ستاری فر، محمد (۱۳۷۴) "درآمدی بر سرمایه و توسعه"؛ تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- صدر، محمد باقر (۱۳۵۰) "اقتصاد ما"، ج اول؛ ترجمه محمد کاظم موسوی؛ انتشارات

- برهان و موسسه انتشارات اسلامی.
- صدر، محمد باقر (۱۳۵۷) "اقتصاد ما"، ج دوم؛ ترجمه عبدالعلی اسپهبدی؛ تهران: انتشارات اسلامی.
- صدر، کاظم (۱۳۷۵) "اقتصاد صدر اسلام"؛ تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- طاهر، سعید و همکاران (۱۳۷۵) "مباحثی در اقتصاد خرد نگرش اسلامی"؛ به قلم سیزده اندیشمند و اقتصاد دان مسلمان، ترجمه حسین صادقی؛ تهران: موسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس، چاپ اول.
- کلینی، ابو جعفر محمد ابن یعقوب؛ "اصول کافی"؛ قم: انتشارات اسلامی.
- گلابی، سیاوش (۱۳۷۰) "پژوهشی در برنامه ریزی آموزشی"؛ تهران: انتشارات فردوس.
- مدرسی، س. م. ر. (۱۳۶۳) "مقدمه ای بر نظام مالیاتی و بودجه در اسلام"؛ قم: انتشارات هجرت.
- مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع) و معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی (۱۳۸۷) "مجموعه مقالات توسعه مبتنی بر عدالت"؛ تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- موسسه تحقیقاتی تدبیراقتصادی ایران (۱۳۸۲) "تحلیل شاخص توسعه انسانی در آخرین گزارش ۲۰۰۳ PDNU و جایگاه ایران"؛ جزوه موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصادی ایران.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ ق) "بحار الانوار"؛ بیروت: موسسه الوفا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷) "مجموعه آثار"، ج ۴؛ انتشارات صدرا، چاپ چهارم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸) "نظری به نظام اقتصادی اسلام"؛ انتشارات صدرا، چاپ اول.
- نقوی، حیدر (۱۳۶۶) "جمع اخلاق و اقتصاد در اسلام"؛ ترجمه حسن توانایان فرد؛ انتشارات مترجم.
- نمازی، حسین و یداله دادگر (۱۳۹۰) "اقتصاد متعارف، اقتصاد ارتدکس و اقتصاد اخلاق مدار"؛ تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم.
- فاجر لینه، اینجمار (۱۳۷۵) "تعلیم و تربیت و توسعه ملی"؛ ترجمه سید مهدی سجادی؛ انتشارات تربیت.
- نیلی، مسعود و همکاران (۱۳۸۵) "اقتصاد و عدالت اجتماعی"؛ تهران: نشر نی.
- Ashton, D. and Green, A. (1996) "Education, Training and Global Economy", London: Edward Elgar.
- Haggan, E. E. (1962) "On the Theory of Social Change: How

- Economic Growth Begins”, Homewood: Dorsey.
- Hogendorn, Jan (1992) “Economic Development”, Harper Collins.
 - Mc Clelland, D. C. (1961) “The Achieving Society”, Princeton: Van Nostrand.
 - Wolff, Jonathan (2008) “Social Justice and Public Policy: A View From Political Philosophy”, Edited by Gary Gray et al in “Social Justice And Public Policy”, The Policy Press, Bristol University, UK.